



دانشگاه شهید چمران اهواز  
دانشکده الهیات و معارف اسلامی  
گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

**عنوان:**

**ارتداد و آزادی های دینی از دیدگاه فقها و اندیشمندان اسلامی**

**نگارش:**

سلیمه امیری

**استاد راهنما:**

دکتر عبدالحسین رضایی راد

**استاد مشاور:**

دکتر محمدعلی حسینی منش

دیماه ۱۳۸۹

صلاحتها

تقدیم به منادی بزرگ آزادی و دین داری و منجی عالم بشریت از  
زنجیرهای اسارت انسان، حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء.

تقدیم به پدر و مادرم به پاس واژه‌اش

و

برادرم که صمیمانه مراد این راه‌یاری رساند

## سپاسگزاری

حمد و سپاس خدای عزّ و جلّ را، که از جلوه‌ی جمال و تجلّی کمالش، چراغ علم و معرفت افروخته شد و از پرتو جلالش عالم هستی به نور دانش، فروغ ابدی یافت.

در این جا بر خود واجب می دانم که مراتب تشکر و قدردانی خویش را از اساتید ارجمند و فاضل آقای دکتر رضایی راد که در طول مدت اجرای این پایان نامه و در طول تحصیل از همراهی و همیاری دلسوزانه و صمیمانه ایشان برخوردار بوده ام و همواره پیشنهادهای ایشان راهگشای مشکلاتم بود، کمال تشکر و قدردانی را دارم.

از استاد مشاورم آقای دکتر حسینی منش که در طول دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد مرا از دریای علم خویش بهره مند ساخت سپاسگزارم.

از اساتید بزرگوار آقای دکتر آل طاها و آقای دکتر نشان و آقای دکتر گنجی که در طول دو دوره کارشناسی و کارشناسی ارشد افتخار شاگردی شان را داشتم نیز سپاسگزارم.

از خانواده صبورم که مرا در طول این دوره مشفقانه و دلسوزانه همراهی کردند سپاسگزارم. از دوستان خوبم بویژه مریم که چون معلمی دلسوز راهنمای من بودند سپاسگزارم.

بی شک بدون برخورداری از ارشادات و راهنمایی های خیرخواهانه این عزیزان، تهیه و تدوین این پایان نامه میسر و مقدور نبود.

همچنین از کتابخانه‌ی دانشکده‌ی حقوق دانشگاه شیراز، کتابخانه‌ی میرزای شیرازی، کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه چمران، کتابخانه‌ی ملی ایران در تهران، کتابخانه‌ی دانشکده‌ی الهیات دانشگاه تهران که صمیمانه مرا در تهیه و تدوین این پایان نامه یاری رساندند بسیار شاکر و سپاسگزارم و از خداوند جلیل توفیق روزافزون همه این عزیزان را خواستار می باشم.

## چکیده پایان نامه

نام خانوادگی دانشجو: امیری	نام: سلیمه
عنوان پایان نامه: ارتداد و آزادی های دینی از دیدگاه فقها و اندیشمندان اسلامی	
استاد راهنما: دکتر عبدالحسین رضایی راد	استاد مشاور: دکتر محمد علی حسینی منش
درجه ی تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته و گرایش: الهیات-فقه و حقوق اسلامی
محل تحصیل: دانشگاه شهید چمران	دانشکده: الهیات و معارف اسلامی
تاریخ فارغ التحصیلی: ۸۹/۱۱/۶	تعداد صفحات: ۲۰۶
کلید واژه: ارتداد، آزادی، دین، عقیده، مرتد، حقوق بشر	
چکیده:	
<p>حق آزادی عقیده از جمله حقوق اساسی همه ی انواع بشر است و دولت ها و حکومت ها حق ندارند که به هیچ بهانه ای این حقوق را از او بگیرند. وجود حکم اعدام مرتد در فقه اسلام به نظرمی رسد که با حق آزادی عقیده در تضاد باشد و این تصور باعث این اشکال شده است که فقه اسلامی در این بخش با حقوق فطری و اساسی تناسبی ندارد. در این تحقیق با هدف اثبات هر چه بیشتر توانمندی های فقه اسلامی و با تحقیق و بررسی مفهوم آزادی عقیده و نیز احکام شرعی ارتداد در صدد تطبیق این دو اصل عقلی و دینی هستیم. و در پایان به این نتیجه می رسیم که با توجه به معنای دقیق ارتداد در اسلام، اعدام مرتد نه تنها مخالفی با آزادی عقیده ندارد بلکه خود به نوعی دفاع از آزادی عقیده است.</p>	

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۳	بیان مسأله و اهداف تحقیق.....
۳	پیشینه موضوع.....
۳	روش تحقیق.....
۴	بخش اول: کلیات.....
۵	فصل اول: واژه‌شناسی و تاریخچه.....
۵	گفتار اول: واژه‌شناسی.....
۵	الف) ارتداد در لغت.....
۶	ب) ارتداد در قرآن کریم.....
۱۲	ج) ارتداد در سنت.....
۱۳	۱- ارتداد در روایات امامیه.....
۱۴	۲- ارتداد در روایات اهل سنت.....
۱۵	د) ارتداد در اصطلاح.....
۱۸	گفتار دوم: تاریخچه ارتداد.....
۱۲	فصل دوم: شرایط و موجبات ارتداد.....
۲۲	گفتار اول: شرایط مرتد.....
۲۲	الف) شرایط عمومی ارتداد.....
۲۲	۱- بلوغ.....
۲۳	۲- عقل.....
۲۴	۳- اختیار.....
۲۵	۴- قصد.....
۲۷	ب) شرایط اختصاصی ارتداد.....
۲۸	۱- انواع ارتداد.....
۲۹	۲- شرایط اختصاصی مربوط به هر یک از انواع ارتداد.....
۳۰	الف) شرایط اختصاصی مرتد فطری.....
۳۰	ب) شرایط اختصاصی مرتد ملی.....
۳۱	گفتار دوم: موجبات ارتداد.....
۳۱	الف) دیدگاه‌های فقهای امامیه.....
۳۳	ب) دیدگاه‌های فقهای اهل سنت.....

ج) بحث نظری و تقسیم‌بندی موجبات ارتداد .....	۳۴
۱- موجبات فعلی .....	۳۵
۲- موجبات قولی .....	۳۵
فصل سوم: احکام فقهی و آثار حقوقی مترتب بر ارتداد.....	۳۹
گفتار اول: فقه امامیه .....	۴۰
۱- مجازات .....	۴۰
۲- انتفاء علقه‌ی زوجیت .....	۴۴
۳- زوال ملکیت .....	۴۶
گفتار دوم: فقه اهل سنت .....	۴۸
۱- مجازات .....	۴۸
۲- انتفاء علقه‌ی زوجیت .....	۴۹
۳- زوال ملکیت .....	۵۳
فصل چهارم: ارتداد و احکام آن در حقوق موضوعه ایران (حقوق جزای ایران) .....	۵۳
گفتار اول: اصل قانونی بودن جرم و مجازات .....	۵۳
گفتار دوم: آیا از نظر حقوق ایران ارتداد جرم است یا خیر؟ .....	۵۴
۱- عقیده موافقین و استدلال آنها .....	۵۴
۲- عقیده مخالفین و استدلال آنها .....	۵۵
۳- نتیجه‌گیری .....	۵۶
الف) عنصر قانونی ارتداد .....	۵۶
ب) عنصر مادی ارتداد .....	۶۲
ج) عنصر روانی ارتداد .....	۶۳
بخش دوم: آزادی‌های دینی و اقسام آن .....	۶۹
فصل اول: آزادی .....	۷۰
گفتار اول: دیدگاه غربیان درباره‌ی آزادی .....	۷۳
گفتار دوم: دیدگاه اسلام درباره‌ی آزادی .....	۷۵
گفتار سوم: دیدگاه قرآن درباره‌ی آزادی .....	۸۳
فصل دوم: آزادی مذهب و اولین زمینه‌های آن .....	۹۸
گفتار اول: یهود .....	۱۰۰
گفتار دوم: مسیحیت .....	۱۰۴
الف) دوره نخست (عهد قدیم) .....	۱۰۴



ب) دوره دوم: قرون وسطی .....	۱۰۶
ج) عصر جدید .....	۱۰۸
د) نظر اسلام در مورد تنگ نظری و تعصب دینی .....	۱۱۰
گفتار سوم: آزادی دینی از نظر اسلام .....	۱۱۵
فصل سوم: آزادی اندیشه .....	۱۲۲
گفتار اول: انتخاب اندیشه .....	۱۲۳
گفتار دوم: کتمان اندیشه .....	۱۲۶
گفتار سوم: اظهار و تبلیغ اندیشه .....	۱۲۷
الف) اظهار اندیشه‌ی دینی .....	۱۲۸
ب) اظهار اندیشه‌ی ضد دینی .....	۱۳۰
۱- اظهار کفر .....	۱۳۱
۲- افترا به خدا، دین و رهبران دینی .....	۱۳۱
۳- اظهار ارتداد .....	۱۳۲
۴- اضلال .....	۱۳۳
ج) اظهار اندیشه‌ی غیر دینی .....	۱۳۴
۱- اظهارات بلامانع .....	۱۳۴
۲- اظهارات ممنوع .....	۱۳۵
بخش سوم: احکام ارتداد با رویکردی به مبانی آزادی عقیده در اسلام .....	۱۳۷
فصل اول: آزادی عقیده .....	۱۳۹
گفتار اول: مفهوم آزادی عقیده .....	۱۳۹
گفتار دوم: منشاء عقیده .....	۱۴۱
گفتار سوم: آزادی عقیده از دیدگاه عقل .....	۱۴۲
گفتار چهارم: مبانی اسلامی آزادی عقیده .....	۱۴۳
اصل اول: آزادی عقیده و نفی اکراه در دین .....	۱۴۴
اصل دوم: توجه به تحقیق، تفکر و آزاداندیشی .....	۱۴۹
اصل سوم: دفاع از توحید و نفی شرک .....	۱۵۱
گفتار پنجم: ابعاد (جنبه‌های) گوناگون آزادی عقیده .....	۱۵۲
۱- آزادی از تفتیش عقیده .....	۱۵۲
۲- آزادی از تحمیل عقیده .....	۱۵۳
۳- آزادی داشتن عقیده .....	۱۵۴

۴- آزادی ابراز عقیده.....	۱۵۴
گفتار ششم: ضرورت‌ها و آثار آزادی عقیده.....	۱۵۴
۱- طرح افکار عمومی.....	۱۵۴
۲- ایجاد مسئولیت همگانی.....	۱۵۶
۳- جلب مشارکت عمومی در حل مشکلات.....	۱۵۷
۴- کنترل و نظارت اجتماعی.....	۱۵۷
گفتار هفتم: محدودیت‌های اسلامی آزادی عقیده.....	۱۵۸
۱- جهاد ابتدایی.....	۱۵۹
۲- جزیه.....	۱۶۴
۳- ارتداد.....	۱۶۷
فصل دوم: آزادی عقیده یا آزادی اندیشه.....	۱۷۰
گفتار اول: تفاوت آزادی عقیده و آزادی اندیشه.....	۱۷۱
گفتار دوم: ترجیح آزادی اندیشه بر عقیده.....	۱۷۴
گفتار سوم: عدم تحمیل اندیشه بر عقیده.....	۱۷۶
گفتار چهارم: اعلامیه حقوق بشر و آزادی عقیده.....	۱۷۸
فصل سوم: شبهه تعارض بین احکام ارتداد با آزادی عقیده در اسلام و پاسخ به آن.....	۱۸۳
گفتار اول: مبنای اول: تنافی بین احکام ارتداد با موضوع آزادی عقیده در اسلام.....	۱۸۳
۲- شیوه دوم: برای رفع تعارض و تنافی و دلایل طرفداران آن.....	۱۸۴
گفتار دوم: مبانی دوم: عدم تنافی بین احکام ارتداد با موضوع آزادی عقیده در اسلام.....	۱۸۸
۱- بیان فلسفه احکام ارتداد و توجیه عقلانی مسئله.....	۱۸۸
۲- دقت نظر در ادله و کشف شرایط و قیود لازم برای حکم ارتداد از آن.....	۱۹۲
۳- ارزیابی و نتیجه‌گیری.....	۱۹۳
منابع.....	۱۹۸

## مقدمه

«... و چون سخن به حکم مرتد کشید مناسب است برای آن عنوان مستقل آوریم زیرا که احتیاج به آن بسیار است و مردم درباره‌ی ارتداد بین افراط و تفریط‌اند. جماعتی از اهل ظاهر که حقیقت را منحصر در دایره‌ی فهم خویش می‌دانند معتقدند هرچه خودشان دریابند باطل و کفر است و باید خردمندان جهان و نوابغ روزگار آنقدر کوچک شوند تا در حیطه‌ی ذهن آنان بگنجد و هرچه اینان از ظاهر روایات مشکوکه به فکر ناچیز خود دانستند و به ذهنشان متبادر شد حجت است بر همه مردم.»<sup>۱</sup>

اسلام دین تفکر و تعقل است و امتیاز انسان بر سایر موجودات که تکویناً به تسبیح و تنزیه خداوند مشغولند آگاهانه و ارادی بودن عبادت و اطاعت او از خداوند است. فطرت انسانی چنین است که هیچ گونه اجبار و اکراهی را بر نمی‌تابد و بدون داشتن توجیهی عقلانی و منطبق با فطرت و منطق، از پذیرش ایده‌ها و عقاید القایی امتناع می‌ورزد. در حیطه‌ی اعتقادات، آیات فراوانی از قرآن کریم مردم را به تفکر و اندیشه و گزینش عقیده‌ی صحیح می‌خواند. شاید بیش از ۳۰۰ آیه در قرآن کریم مردم را به تفکر و تعقل و تذکر دعوت می‌کند یا به پیامبر وحی می‌کند که برای اثبات حق یا ابطال باطل دلیل بیاورد. یا شیوه‌ی انبیاء را در احتجاج و استدلال نقل می‌کند یا تعصب و تقلید کورکورانه و بی منطق کفار را تقبیح می‌کند و یا کسانی را که با تفکر و اندیشه و دلیل و برهان، حرف حق را پذیرفتند و ایمان آوردند می‌ستاید. در عین حال عقیده‌ی صحیح و کامل از نظر اسلام، دین توحیدی و اعتقاد به مبدأ و معاد است و انسان را به گزینش این عقیده سوق می‌دهد و از لحاظ فردی نیز هر شخصی را نزد خداوند مسئول می‌داند که برای کشف حقیقت و پیدا کردن عقیده‌ی صحیح توحیدی تلاش کند و از شرک و کفر دوری جوید. تمام کوشش اسلام این است که دین حق با برهان و دلیل برای انسان تبیین شود. تا او با آزادی و اراده، آن را انتخاب کند و یا از پذیرش آن سر باز زند و همچنان در مرحله پست فکری بماند. مکتب فقهی و کلامی امام صادق (ع) نیز که شیوه‌ی تبلیغ آن مناظره، مکاتبه، خطابه و شعر بود و در آن گروه‌های غیرمذهبی چون مشرکان و ملحدان و گروه‌های مختلف اهل کتاب با امام (ع) به بحث و گفتگو و مناظره می‌نشستند و امام (ع) با برخوردی حکیمانه و همراه با حلم و صبر، به ادله و ادعاهای آنان گوش می‌داد. و با روش بحث جدلی از آنان رفع شبهه می‌کردند، الگوی تمام عیار مسلمانان در برخورد با ایده‌های مخالف

۱ - شعرانی، ابن الحسن محمد، شرح تبصره المتعلمین، قم: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴ ق.

و عقیده‌ی، نادرست به شمار می‌آید. بنابراین در ادبیات دین اسلام گرچه اعتقاد و ایمان به خداوند مطلوب الهی است اما پیامبران تنها مأمور ابلاغ هستند نه تحمیل عقیده. اگر خداوند حکیم عقیده‌ی اجباری را مطلوب می‌دانست آن را بر بندگان تحمیل می‌کرد. لذاست که می‌فرماید: اگر خداوند اراده می‌کرد تمام اهل زمین ایمان می‌آوردند پس، آیا تو مردم را به اکراه وادار می‌کنی که مومن شوند<sup>۱</sup> و یا پس از نفی اکراه و اجبار در پذیرش دین مسئله‌ی تبیین عقاید و راه درست و نادرست را مورد تأکید قرار می‌دهد.<sup>۲</sup> تا پس از تبیین، انسان به اختیار و اراده، دین را انتخاب نماید. در این میان مسئله‌ی ارتداد و احکام آن که بنابر شهادت تاریخ، نخستین رگه‌های آن در دوران قبل از اسلام و در میان بنی اسرائیل و نصاری و آن زمان که بنی اسرائیل پس از گرویدن به دین توحیدی، گوساله پرستی را شروع کردند، نمودار شده است و پس از آن در بستر تاریخ اسلام با عمق و توسعه‌ی بیشتری ریشه دوانیده است، در وضعیت فعلی جوامع بشری که پیشرفت فرهنگ و افکار عمومی جهان از شاخصه‌های آن به شمار می‌رود در کنار پاره‌ای مسائل دیگر به مسئله‌ای ابهام آمیز و از نقاط هجومه افکار الحادی به دین مبین اسلام تعدیل شده است. از طرف دیگر اظهار نظرهای افراطی و غیرعالمانه و یا برخورد های احساسی و جانبدارانه ناشی از نابردباری‌های مذهبی بعضی از متدینان و مومنان نیز باعث شده است که از اسلام چهره‌ای نازیبا و غیرمنطقی با واقعیات و در تنافی با منطق صحیح ارائه شده و بعضاً در عزم مجریان احکام اسلامی ایجاد ضعف و خلل نماید. در نقطه‌ی مقابل، ابهام در مفاهیم و مبانی فقهی مسئله نیز در کنار رشد اندیشه‌های آزادیخواهانه جوامع امروزی و مباحث نوین حقوق بشری، گروهی دیگر از اندیشمندان اسلامی را به وادی تفریط کشانده به گونه‌ای که احکام فقهی مقرر برای ارتداد در فقه اسلامی را بدون مبنا و پشتوانه علمی و فاقد هرگونه دلیل معتبر، معرفی کرده و بر ضرورت اجتهاد مجدد پیرامون مسئله و با محدودیت تأمین آزادی انتخاب عقیده و مذهب برای افراد انسانی تأکید دارند. در این میان عدّه‌ای دیگر جانب احتیاط نگه داشته و با انتخاب راهی میانه آنچه که در فقه اسلامی پیرامون حکم ارتداد آمده است را از اختصاصات عصر اسلام و خارج از چارچوب احکام فرازمانی اسلام معرفی می‌نمایند.

---

۱ - یونس آیه ۹۹.

۲ - بقره آیه ۲۵۶.

## بیان مسئله و اهداف تحقیق

ارتداد به عنوان انکار دین یا یکی از ضروریات آن از مسائل مهم فقهی است و از آن جا که در پاره‌ای موارد، مجازات آن قتل و سلب حق حیات است. مورد اعتراض مدافعان حقوق بشر و نقض آزادی قرار می‌گیرد. بر این اساس طرح آن دارای حساسیت و اهمیت بسیاری است.

و پرسش‌های اساسی که در راستای روشن نمودن مسئله و در نتیجه صحت و سقم پیش فرض فوق قابل طرح است عبارت‌اند از این که اگر دین اسلام طرفدار کامل آزادی عقیده و دین است پس چگونه موضوع ارتداد را جرم دانسته و برای آن مجازات سنگین سلب حیات را مقرر داشته است؟ مگر نه این است که ارتداد تغییر عقیده از اسلام به کفر است؟

آیا اعدام مرتد حکمی قطعی و بدون خلاف است و می‌تواند از نظر فقهی مورد تردید قرار گیرد یا خیر؟ این رساله با هدف کشف راهکارهای لازم جهت مبارزه با ارتداد و گمراهی، در ضمن حفظ حقوق بشر و حق حیات و امنیت و ثبات فکری و فرهنگی در جامعه و پیشگیری از افساد عقیده تدوین گردیده است.

## پیشینه موضوع

موضوع ارتداد در مبحث حدود در آثار فقه‌های شیعه و سنی از قدیم الایام مطرح بوده است و علمای حقوق نیز تا اندازه‌ای به مسئله ارتداد پرداخته‌اند و در ارتباط با این موضوع آثار بزرگی از جمله جواهرالکلام، شرایع الاسلام رامی‌تواند نام برد. اما در متون حقوقی و قوانین موضوعه، آنچنان که باید این مسئله مورد توجه حقوق دانان قرار نگرفته است؛ بنابراین لزوم و اهمیت این موضوع و فقر آثار حقوقی و قوانین موضوعه در خصوص این جرم مهم ایجاب می‌کند تا یک بررسی گسترده در این زمینه صورت گیرد.

## روش تحقیق

این تحقیق بر اساس روش کتابخانه‌ای و تا حدودی تطبیقی و با مطالعه دیدگاه‌های دانشمندان مختلف بزرگ اسلام و تطبیق آن با مبانی نظری حکم مرتد از طریق مفاهیم ناب اسلام و شرع انجام گرفته است.

# بخش اول

## کلیات

مطالعه و بررسی مقدماتی در هر بحث علمی که در واقع زمینه سازی ذهنی جهت ورود به مباحث اساسی و محوری است، امری ضروری به شمار می آید زیرا فقدان چنین پیش زمینه ای منجر به غموض و ابهام در مباحث اصلی خواهد شد و خواننده را دچار تحیر و سرگردانی خواهد کرد. براین اساس بحث کلیات تحقیق حاضر را در دو فصل جداگانه تحت عنوان واژه شناسی و تاریخچه و شرایط و موجبات ارتداد مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم.

## فصل اول: واژه شناسی و تاریخچه

مباحث مقدماتی بخش کلیات تحقیق حاضر پیرامون دو بحث اساسی بررسی مفهوم و اصطلاحی ارتداد و ریشه های آن در قرآن و سنت و نیز مطالعه تاریخی این موضوع اختصاص دارد که هر یک را در گفتاری جداگانه مورد بررسی قرار می دهیم.

### گفتار اول: واژه شناسی

بررسی ریشه لغوی و تعیین حیطه مفهومی بحث اصلی و مبنایی هر تحقیق امری مرسوم و بسیار مفید است و در واقع تحقیق و شناخت انسان در این محدوده که عموماً نیز در ابتدای تحقیقات علمی، مطرح می شود زمینه ساز طرح مباحث اساسی بعدی و فهم دقیق تر آنهاست. براین اساس در این مقوله به بحث واژه شناسی ارتداد می پردازیم.

### الف) ارتداد در لغت

درباب مفهوم لغوی ارتداد در کتب لغت عبارات مشابه و به ندرت مختلفی آمده است، صاحب مقایس اللغه می گوید: «راء و دال»، ریشه ی یک واژه اند که در قالب های مختلف ریخته می شوند و معنای رجوع و بازگشت دارند<sup>۱</sup>. و مرتد را از آن روی مرتد می گویند که خود را به کفر خویش برمی گرداند. مؤلف مزبور در کتاب مجمل اللغه نیز عیناً همین عبارات را آورده است<sup>۲</sup>.

۱ - ابن فارس، ابی الحسین احمد، معجم مقاییس اللغه ج ۲ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۲ - همان، مجمل اللغه، ج ۱، ص ۳۷۲.

مؤلف صحاح اللغه می‌گوید: ارتداد به معنای رجوع است و مرتد از آن مشتق شده است و مصدر آن «رَدّه» به کسر «راء» اسمی از ارتداد می‌باشد.<sup>۱</sup>

برخی نیز ارتداد را به معنای رجوع و رویگردان شدن (تحوّل) و مرتد را مشتق از آن می‌دانند.<sup>۲</sup> و عده‌ی دیگر نوشته رَدّه به کسر «راء» اسمی از ارتداد است و ارتداد به مفهوم رجوع می‌باشد... و ارتداد از اسلام به معنی رجوع از آن است و آن موقعی است که فردی پس از آنکه اسلام آورد دوباره به کفر برگردد.<sup>۳</sup>

ارتداد و رَدّه بازگشت در راهی است که از آن آمده است، اما رَدّه فقط در مورد کفر استعمال می‌شود برخلاف ارتداد که در کفر و غیر آن قابل استعمال است.<sup>۴</sup>

در لغت نامه‌ی دهخدا آمده است: «رَدّه عبارت است از مذهب اسلام خارج شدن.» رَدّه اسم مصدر از ارتداد به کسر «راء» است. ولی معمولاً به فتح تلفظ می‌شود و ارتداد برگشتن از دین و جزء آن را گویند.<sup>۵</sup>

در دیگر کتب لغت نیز عبارات مشابهی در مفهوم لغوی ارتداد و ریشه این واژه نقل شده است.

## ب) ارتداد در قرآن کریم

در قرآن کریم ماده «رد» به معنای رجوع از دین و مشتقات لفظ ارتداد در مواردی استعمال شده است و در برخی آیات بدون استفاده از مشتقات لفظ ارتداد تنها به معنای آن اشاره شده است. آنچه به فهم معنای ارتداد در قرآن کمک می‌کند تعمق در آیات قرآنی و شأن نزول آنها و عطف نظر به آراء تفسیری در این باره هست.

۱ - جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح اللغه، ج ۲، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ق.

۲ - ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، ج ۳، قم: ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق، صص ۱۷۵-۱۷۴

۳ - زبیدی، سید محمود مرتضی، تاج العروس، ج ۲، لبنان: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق، صص ۳۵۲-۳۵۰.

۴ - اصفهانی، حسن بن محمد راغب، المفردات فی غریب القرآن، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ق، ص ۱۹۷.

۵ - دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات سیروس، ۱۳۳۷.



نکته‌ی قابل ذکر آنکه در آیات قرآنی احکام فرعی مربوط به ارتداد مستقیماً بیان نشده است. در عین حال چنانچه مرتد را یکی از اقسام کافر بدانیم، احکام عمومی کافر که در قرآن بیان شده است، در مورد مرتد نیز قابلیت انطباق خواهد داشت. در این مبحث به ذکر اهم آیات قرآنی که موضوع ارتداد و احکام (اخروی) آن به نحوی در آنها بیان شده است پرداخته و با عنایت به ترجمه و تفسیر آیات و شأن نزول بعضی از آنها ریشه‌ها و مبانی بحث را در قرآن کریم مورد بررسی قرار می‌دهیم:

آیه‌ی اول: «وَ لَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَاعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ»<sup>۱</sup>

کافران پیوسته با شما مسلمانان نبرد کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند، پس هر که از شما از دین خود برگردد و در حال کفر باشد تا بمیرد، اعمال چنین اشخاصی در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردد و آنان اهل جهنم‌اند در آن همیشه معذب خواهند بود.

در شأن نزول آیه آمده است<sup>۲</sup>: قبل از جنگ «بدر» پیامبر اسلام «عبدالله ابن جحش» را طلبید و نامه‌ای به او داد. و هشت نفر از مهاجران را همراه وی نمود، به او فرمان داد پس از آنکه دو روز راه را پیمود نامه را بگشاید و طبق آن عمل کند او پس از دو روز طی طریق نامه را گشود و چنین یافت: پس از آنکه نامه را باز کردی تا نخله (زمینی بین مکه و طائف)، پیش برو و در آنجا وضع قریش را زیر نظر بگیر و جریان را به ما گزارش بده.

عبدالله جریان را به همراهانش نقل نمود و اضافه کرد: پیامبر مرا از مجبور ساختن شما در این راه منع کرده است، بنابراین هرکس آماده شهادت است با من بیاید و دیگران بازگردند همه با او حرکت کردند. هنگامیکه به «نخله» رسیدند به قافله‌ای از قریش برخورد کردند که «عمر بن حزمی» در آن بود. چون روز آخر رجب و یکی از ماه‌های حرام بود، در مورد حمله به آنها به

۱ - بقره آیه ۲۱۷.

۲ - مکارم، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۷.

مشورت پرداختند بعضی گفتند: اگر امروز هم از آنها دست برداریم وارد محیط حرم خواهند شد و دیگر نمی‌توان متعرض آنها شد. سرانجام شجاعانه به آنها حمله کردند؛ «عمر بن حزمی» را کشتند و قافله را با دو نفر اسیر نزد پیامبر آوردند. پیامبر به آنان فرمود: من به شما دستور نداده بودم که در ماه‌های حرام نبرد کنید، و دخالتی در غنائم و اسیران نکرد. مهاجران ناراحت شدند و مسلمانان به سرزنش آنها پرداختند و مشرکان نیز زبان به طعن گشودند که محمد (ص) جنگ و خونریزی و اسارت را در ماه‌های حرام، حلال شمرده در این هنگام آیه فوق نازل شد پس از آنکه این آیه نازل شد، «عبدالله بن جحش» و همراهانش اظهار کردند که در این راه برای درک ثواب جهاد کوشش کرده‌اند و از پیامبر پرسیدند که آیا اجر مجاهدان را دارند یا نه؟

آیه در مورد پاسخگویی به پرسش‌های مربوط به جهاد در ماه‌های حرام است اما در انتهای آیه مسلمانان را مورد خطاب قرار می‌دهد که مبدا تحت تأثیر تبلیغات سوء مشرکان قرار گیرند و به آنها بیدار باش می‌دهد که مشرکان دائماً درصددند که اگر بتوانند شما را از آیین اسلام برگردانند.

سپس اعلام خطر می‌فرماید که هرکدام از مسلمانان از آیین حق برگردد و همچنان کافر بماند، این کفر تمام اعمال نیکش را در این جهان و آن جهان باطل و بی‌خاصیت می‌سازد و به همین دلیل همواره در عذاب الهی خواهد بود.

آیه دوم: «يَا قَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ»<sup>۱</sup> ای قوم، به سرزمین مقدسی که خدا در سرنوشت شما مقرر کرده داخل شوید و پشت به حکم خدا مکنید که زیانکار شوید.

آیه مبارکه مربوط به قوم موسی است وقتی که دستور ورود به سرزمین مقدس به آنان داده شد تمرّد کرده و به پیامبر خود گفتند: «قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَدْخُلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ»<sup>۲</sup> ای موسی در آن سرزمین مقدس گروهی مقتدر و قاهر

۱ - مائده آیه ۲۱

۲ - مائده آیه ۲۲

و ستمکار هستند و هرگز تا آنها از آنجا بیرون نروند ما داخل نخواهیم شد. آیه‌ی شریفه آنان را از این‌که به دوران قبل از بعثت موسی و نجات از سلطه فرعون بازگردند برحذر می‌دارد. بعضی از مفسرین نیز «وَلَا تَرْتَدُّوا عَلٰی اَدْبَارِكُمْ» را نهی از بازگشت به سرزمین مصر معنا کرده‌اند، بنابراین معنا، اصلاً ارتباطی به بازگشت از ایمان و عقیده ندارد، بلکه سخن از بازگشت به وطن و سرزمین آباء و اجدادی است.<sup>۱</sup>

پس این آیه نیز مربوط به قوم موسی است و ارتباطی به بحث ارتداد فکری و عقیدتی ندارد. انگیزه‌ی آنان از سرپیچی، ترس از ورود به سرزمین مقدس بود.

آیه‌ی سوم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.»<sup>۲</sup>

ای اهل ایمان هرکه از شما از دین خود مرتد شود به زودی خدا قومی را که دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مومنان فروتن و به کافران سرفراز و مقتدرند، به نصرت اسلام برمی‌انگیزد که در راه خدا جهاد کنند و در راه دین از ملامت و نکوهش احدی باک ندارند. این است فضل خدا، خدا هرکه را که خواهد عطا کند و خدا را رحمت وسیع و نامت‌هاست و بر احوال هر که استحقاق آن را دارد داناست. در این آیه نیز سخن از ارتداد فکری نیست.

آیه‌ی چهارم: «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ»<sup>۳</sup>

هرکس بعد از آنکه به خدا ایمان آورده باز کافر شد، نه آنکه به زبان از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد، بلکه با اختیار و با رضا و رغبت و هوای نفس دلش آکنده از ظلمت و کفر گشت، بر آنها خشم و غضب خدا و عذاب سخت دوزخ خواهد بود.

۱ - ورعی، سید جواد، ارتداد نگاهی دوباره، مجله حکومت اسلامی، سال چهارم، شماره سوم، ص ۱۷.

۲ - مانند آیه ۵۴.

۳ - نحل آیه ۱۰۶.

آیه‌ی شریفه درباره‌ی یاسر، سمیه و عمار، صهیب، بلال و بعضی دیگر از اصحاب پیامبر(ص) است که پس از هجرت آن حضرت به مدینه توسط مشرکین مکه دستگیر شده و مورد آزار و شکنجه قرار گرفتند. یاسر و سمیه را به شهادت رساندند، بقیه را نیز تحت شکنجه فراوان قرار دادند. عمار نتوانست در برابر شکنجه‌ها تحمل کند و به خواسته‌ی آنان که سب پیامبر و تعریف از بت‌های مشرکین بود، تن داد. وقتی که آزاد شد و به مدینه آمد خیلی ناراحت بود. خدمت رسول خدا(ص) رسید و ماجرا را تعریف کرد حضرت پرسید: زمانی که سب کردی، در قلبت چه گذشت، عرض کرد قلباً ناراحت بودم. آیه‌ی شریفه نازل شد و او را تبرئه کرد.<sup>۱</sup> این آیه هم مربوط به ارتداد فکری نیست.

آیه‌ی پنجم: «إِنَّ الَّذِينَ ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ الشَّيْطَانُ سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمَلَىٰ لَهُمْ»<sup>۲</sup> آنان که پس از بیان شدن راه هدایت بر آنها، باز به دین پشت کرده و مرتد شدند، شیطان کفر را در نظرشان جلوه گر ساخت و به آمال و آرزوهای دراز فریبشان داد.

آیه‌ی ششم: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أزدَادُوا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُعْطِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا»<sup>۳</sup> آنان که نخست ایمان آوردند سپس کافر شدند و بازگردیده، دگر باز کفر ورزیدند، پس بر کفر خود افزودند، اینان را خدا نخواهد بخشید و به راهی هدایت نخواهد کرد. کسانی که به صورت باندی و گروهی و با انگیزه‌های سیاسی مسلمان شوند سپس کفر ورزند و بار دیگر اسلام آورند و مجدداً راه کفر در پیش گیرند، در واقع ارتداد فکری ندارند بلکه ارتداد سیاسی دارند.

۱ - ورعی، سید جواد، پیشین، ص ۱۸.

۲ - محمد آیه ۲۵.

۳ - تسا آیه ۱۳۷.